

# فرصت‌های پسا جنگ برای احیای اقتصاد

ایران پس از جنگ ۱۲ روزه در موقعیتی حساس قرار دارد؛ آیا این لحظه می‌تواند به سکویی برای بازسازی اقتصادی تبدیل شود؟

اقتصاد ایران طی چهار دهه گذشته مسیری پرتلاطم را پیموده؛ از تحریم‌های فلج‌کننده و تنش‌های ژئوپلیتیکی گرفته تا ناکارآمدی‌های ساختاری که بارها مانع شکوفایی اقتصادی شده‌اند. جنگ ۱۲ روزه اخیر با رژیم صهیونیستی، هرچند کوتاه، این چالش‌ها را تشدید و پرسش‌هایی اساسی درباره آینده اقتصادی کشور مطرح کرد. با از دست رفتن بخش قابل توجهی از ثروت ملی در این درگیری و ابهام در چشم‌انداز پیش‌رو، آیا ایران می‌تواند از فضای شکننده پسا جنگ برای حرکت به سوی ثبات و رشد بهره‌برد؟ این گزارش با استناد به گفت‌وگو با هادی حق‌شناس، اقتصاددان به بررسی تاب‌آوری اقتصادی ایران، هزینه‌های پنهان تحریم‌ها، پیامدهای جنگ و ظرفیت‌های احیای اقتصاد در این لحظه حساس می‌پردازد.

#### هزینه‌های پنهان تحریم‌ها

تحریم‌های بین‌المللی از اوایل دهه ۱۳۸۰ به یکی از اصلی‌ترین موانع رشد اقتصادی ایران تبدیل شد. این تحریم‌ها که با گذر زمان پیچیده‌تر و هدمندتر شده‌اند، نه تنها درآمدهای نفتی را به شدت کاهش داد، بلکه هزینه‌های غیرمستقیمی را نیز به اقتصاد تحمیل کرد که در آمارهای رسمی کمتر دیده می‌شوند. به گفته حق‌شناس، صادرات نفت ایران که در شرایط عادی می‌توانست به ۲ میلیون بشکه در روز برسد، در دوره‌هایی به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه سقوط کرد. این کاهش به معنای از دست رفتن ۷۰ درصد درآمدهای ارزی کشور در برخی ماه‌ها بود که ضربه‌ای سنگین به منابع مالی دولت وارد کرد.

این هزینه‌های مستقیم تنها بخشی از این ماجرا به شمار می‌روند. تحریم‌ها ایران را وادار کرده‌اند تا کالاهای وارداتی را با قیمتی بالاتر از بازارهای جهانی خریداری کند، در حالی که صادرات خود را با تخفیف‌های قابل توجه عرضه نمایند تا محدودیت‌ها را دور بزنند. حق‌شناس در این باره توضیح می‌دهد: «بخش خصوصی به دلیل محدودیت‌های بانکی مجبور به استفاده از واسطه‌هاست که این موضوع هزینه‌ها را چندین برابر می‌باند. این پویایی—خرید گران و فروش ارزان—سودآوری را کاهش داده و منابع ملی را به تحلیل برده است. این فشارها؛ به ویژه برای اقشار کم‌درآمد و طبقه کارگر ملموس بوده و سفره خانوارها را کوچک‌تر کرده است.

علاوه بر این، تحریم‌ها اثرات روانی عمیقی بر بازارها داشته‌اند. نااطمینانی ناشی از محدودیت‌های تجاری و بانکی، اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف کرده و تمایل به سرمایه‌گذاری بلندمدت را کاهش داده است. به گفته حق‌شناس، این چرخه معیوب نه تنها رشد اقتصادی را متوقف کرده، بلکه به افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید منجر شده است. در چنین شرایطی، جنگ به عنوان یک عامل تشدیدکننده وارد عمل می‌شود و فشارها را چندین برابر می‌کند.

#### زخم‌های اقتصادی جنگ

جنگ ۱۲ روزه که اکنون با آتش‌بسی شکننده به پایان رسیده، اقتصاد ایران را در موقعیتی حساس قرار داده است. اگرچه این درگیری کوتاه بود، اما پیامدهای اقتصادی آن قابل توجه است. افزایش هزینه‌های دفاعی، اختلال در جریان‌های مالی بین‌المللی و بی‌ثباتی روانی بازارها فشار مضاعفی بر اقتصادی شکننده وارد کرده‌اند. حق‌شناس هشدار می‌دهد که ادامه جنگ می‌توانست سرمایه‌گذاری و اشتغال را به شدت مختل کند و اقتصاد کشور را به سوی رکودی عمیق سوق دهد.

تجربه جنگ هشت‌ساله ایران و عراق درس‌های تلخی در این زمینه ارائه می‌دهد. در آن دوره، تأسیسات نفتی، صنعتی و حمل‌ونقل آسیب‌های جدی دیدند و سرمایه‌گذاری بلندمدت عملاً متوقف شد. حق‌شناس می‌گوید: «جنگ، توسعه را متوقف می‌کند و اقتصاد را به عقب می‌راند.» جنگ اخیر، هرچند کوتاه، خطرانی مشابه به همراه داشت: اختلال در زنجیره تأمین، افزایش هزینه‌های لجستیک و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران. با این حال، توانایی ایران در تأمین کالاهای اساسی مانند گندم، سوخت و دارو، حتی در اوج بحران نشان‌دهنده سطحی از تاب‌آوری است؛ تاب‌آوری‌ای که اگرچه حیاتی است، اما به تنهایی برای پیشرفت کافی نیست.

پایان جنگ، اما روزنه‌ای از امید ایجاد کرد. حق‌شناس معتقد است: «آتش‌بس فضایی برای تنفس فراهم کرده است.» کاهش تهدید فوری درگیری به ایران این امکان را می‌دهد تا بر بازسازی اعتماد اقتصادی تمرکز کند. اثرات روانی جنگ—ترس از بی‌ثباتی—اغلب آسیب‌های اقتصادی را تشدید می‌کند، انتظارات تورمی را بالا می‌برد و سرمایه‌گذاران را دلسرد می‌سازد. آتش‌بس می‌تواند این روند را معکوس کند؛ مشروط بر اینکه سیاست‌گذاران با سرعت و دقت عمل کنند.

#### ظرفیت‌های صادرات نفت

یکی از کلیدهای بهبود وضعیت اقتصادی، احیای صادرات نفت است. حق‌شناس تأکید می‌کند که فروش نفت بدون واسطه‌گری یا تخفیف‌های ناشی از تحریم‌ها می‌تواند ذخایر ارزی را تقویت و بازارها را تثبیت کند. او می‌گوید: «حتی دسترسی محدود به بازارهای جهانی نشانه‌ای از پیشرفت است.» چنین تحولی می‌تواند فشار بر ارزش ریال را کاهش دهد، تورم را مهار کند و اعتماد سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان را بازگرداند.

بازگشت به بازارهای جهانی نفت همچنین می‌تواند اثرات روانی مثبتی به دنبال داشته باشد. کاهش وابستگی به واسطه‌ها و تپاتر، اعتماد به نفس اقتصادی را تقویت می‌کند و سیگنالی به بازارهای داخلی و خارجی می‌فرستد که ایران در حال بازگشت به صحنه جهانی است. با این حال، این فرایند نیازمند دیپلماسی هوشمندانه و اصلاحات داخلی است تا موانع ساختاری مانند ناکارآمدی‌های بوروکراتیک و فساد برطرف شوند.

#### مهار تورم افسارگسیخته

تورم که از ترکیبی از تحریم‌ها، کاهش ارزش پول ملی و مشکلات ساختاری تغذیه می‌شود، همواره یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران بوده است. انتظارات تورمی—باور عمومی به افزایش قیمت‌ها—اغلب به تحقق پیش‌بینی‌ها منجر می‌شود؛ زیرا مصرف‌کنندگان خرید را تسریع و کسب‌وکارها، کالاهارا احتکار می‌کنند. حق‌شناس تأکید می‌کند که تغییر این برداشت عمومی کلید موفقیت است: «اگر مردم به ثبات باور داشته باشند، رفتارشان تغییر خواهد کرد.»

لحظه پسا جنگ فرصتی برای بازتنظیم این انتظارات فراهم می‌کند. بازگشت به مذاکرات بین‌المللی، به‌ویژه درباره رفع تحریم‌ها می‌تواند چشم‌اندازی روشن‌تر ترسیم کند. حق‌شناس می‌گوید: «بهبود روابط جهانی نااطمینانی را کاهش می‌دهد.» حتی پیشرفت‌های اندک دیپلماتیک می‌تواند فشارهای تورمی را خنک کند، راه را برای سرمایه‌گذاری بیشتر، ایجاد شغل و رونق اقتصادی هموار سازد. اما این فرصت، شکننده و نیازمند اقدام سریع برای جلوگیری از افول اعتماد عمومی است.

برای مهار تورم، سیاست‌های پولی و مالی نیز باید بازنگری شوند. افزایش شفافیت در بودجه‌ریزی، کاهش کسری بودجه و مدیریت عرضه پول می‌توانند به تثبیت قیمت‌ها کمک کنند. علاوه

بر این، تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات کالاهای اساسی می‌تواند اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر سازد.

#### بازسازی هدفمند

برای بهره‌برداری از این لحظه حساس، ایران باید آسیب‌پذیری‌های اقتصادی خود را به طور مستقیم هدف قرار دهد. حق‌شناس سه محور اصلی برای بهبود پیشنهاد می‌دهد: جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور، ایجاد منافع مشترک داخلی و خارجی و پذیرش فناوری‌های نوین.

- جذب سرمایه دیاسپورا: ایرانیان خارج از کشور منبعی بکر از سرمایه مالی و فکری به شمار می‌روند. میلیون‌ها ایرانی در سراسر جهان دارایی‌های قابل توجهی دارند که می‌توانند به بازسازی اقتصاد کمک کنند. موج میهن‌پرستی ناشی از جنگ اخیر، فرصتی برای جذب این منابع فراهم کرده است؛ به شرط آنکه ایران فضایی امن و شفاف برای سرمایه‌گذاری ایجاد کند. حق‌شناس تأکید می‌کند: «اعتماد، حیاتی است. بدون اطمینان به حاکمیت، سرمایه‌های دیاسپورا باز نمی‌گردد.» اصلاحات حقوقی، تضمین امنیت سرمایه و شفافیت در سیاست‌گذاری می‌تواند این فرایند را تسریع کنند.

- منافع مشترک جهانی: ایجاد منافع مشترک با شرکای خارجی می‌تواند ثبات را تثبیت کند. پروژه‌های مشترک که برای سرمایه‌گذاران خارجی سودآور و برای ایرانیان اشتغال‌زا باشند؛ به‌ویژه در بخش‌هایی مانند زیرساخت، انرژی‌های تجدیدپذیر و کشاورزی می‌توانند از تنش‌های آینده جلوگیری کنند. حق‌شناس می‌گوید: «وقتی خارجی‌ها در موفقیت ایران ذی‌نفع باشند، کمتر از تهاجم حمایت می‌کنند.» چنین پروژه‌هایی همچنین نشانه‌ای از گشایش ایران به بازارهای جهانی است که پیش‌نیازی برای رشد بلندمدت محسوب می‌شوند.

- انقلاب فناوری: پیشرفت فناوری برای مدرن‌سازی اقتصاد ایران غیرقابل مذاکره است. از انرژی‌های تجدیدپذیر تا لجستیک هوشمند و اتوماسیون صنعتی، ایران نیازمند ابزارهای پیشرفته برای افزایش بهره‌وری است. همکاری با شرکت‌های خارجی می‌تواند نه تنها سرمایه، بلکه دانش فنی و مدیریتی را به کشور وارد کند. حق‌شناس مدیریت منابع آب، حمل‌ونقل هوشمند و تولید صنعتی را به عنوان حوزه‌های آماده‌ن‌وآوری بر جسته می‌کند. انتقال فناوری می‌تواند ایران را از سیستم‌های منسوخ به سوی اقتصادی رقابتی سوق دهد.

#### تاب‌آوری یا پیشرفت؟

اقتصاد ایران بارها تواناییی خود را در تحمل فشارهای سنگین—از جنگ‌ها و تحریم‌ها گرفته تا بحران‌های داخلی—به اثبات رسانده است. تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، سوخت و دارو حتی در شرایط سخت حفظ شده است. اما حق‌شناس هشدار می‌دهد که نباید بقا را با موفقیت اشتباه گرفت: «تاب‌آوری کافی نیست. اقتصادی که فقط دوام می‌آورد، در خطر رکود است.»



جنگ ایران و عراق درس تلخی ارائه می‌دهد: ایران اگرچه عملکردهای اساسی را حفظ کرد، اما دهه‌ها پتانسیل توسعه را از دست داد. زیرساخت‌ها ویران، سرمایه‌گذاری‌ها متوقف و روند پیشرفت متوقف شد. اقتصاد امروز اگر در حالت بقا باقی بماند، با خطرات مشابهی روبه‌روست. حق‌شناس در این باره می‌گوید: «تاب‌آوری واقعی سکویی برای رشد است؛ نه هدفی نهایی.» بدون سرمایه‌گذاری در زیرساخت، آموزش و فناوری، اقتصاد ایران ممکن است به دام رشد پایین بیفتد و به جای نوآوری، به مصرف وابسته شود.

برای حرکت به سوی پیشرفت، ایران باید از تاب‌آوری به عنوان پایه‌ای برای جهش استفاده کند. این موضوع نیازمند اصلاحات ساختاری، از جمله کاهش بوروکراسی، مبارزه با فساد و تقویت بخش خصوصی است. همچنین سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش نیروی انسانی می‌تواند نسل جدیدی از کارآفرینان و متخصصان را پرورش دهد که قادر به رقابت در بازارهای جهانی باشند.

#### بهره‌برداری از فرصت

پنجره پسا جنگ، محدود اما واقعی است. آتش‌بس، همراه با احتمال پایین تجدید درگیری، فضایی برای بازتنظیم اقتصادی ایجاد کرده است. احیای صادرات نفت، تثبیت بازارها و تعامل مجدد با جهان می‌تواند ایران را به مسیری جدید سوق دهد، اما این موضوع نیازمند اقدام جسورانه و هماهنگ است.

حق‌شناس استراتژی ملی مبتنی بر شفافیت، همکاری بین‌المللی و مشارکت عمومی را متصور است. او می‌گوید: «مردم آماده ثبات هستند.» او به اثر انگیزشی جنگ نیز اشاره می‌کند و معتقد است که یک نقشه راه روشن—با اولویت‌بندی شغل، زیرساخت و فناوری—می‌تواند این انرژی را به پیشرفتی پایدار تبدیل کند. این نقشه باید شامل اصلاحات بانکی، تسهیل تجارت خارجی و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط باشد.

عدم اقدام، اما، خطر از دست دادن این فرصت را به همراه دارد. حق‌شناس هشدار می‌دهد: «این لحظات زودگذرند.» بدون گام‌های قاطع، ایران ممکن است دوباره به چرخه تنش و رکود بازگردد. مخاطرات بالاست: فرصتی برای بازتعریف آینده اقتصادی ایران در ترازوست.

ایران اکنون در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز ایستاده است. اقتصاد آن، اگرچه زخمی ناشکسته و پتانسیل ظهور قوی‌تر را دارد—اگر سیاست‌گذاران روز را غنیمت شمارند. پایان جنگ ۱۲ روزه، چشم‌انداز پیشرفت‌های دیپلماتیک و وعده درآمدهای نفتی جدید کورسوهایی از امید ارائه می‌دهند. اما امید به تنهایی کافی نیست.

با بهره‌گیری از منابع دیاسپورا، تقویت مشارکت‌های بین‌المللی و پذیرش فناوری، ایران می‌تواند از تاب‌آوری صرف به سوی پیشرفت معنادار حرکت کند. مسیر مملو از چالش‌هاست—ناکارآمدی‌های ریشه‌دار، بی‌اعتمادی جهانی و دلبینی داخلی—اما فرصت غیرقابل انکار است. به قول حق‌شناس: «چشم‌انداز امروز روشن‌تر از پیش از جنگ است. اکنون زمان عمل است.»

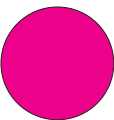
## اقتصاد



## ۱۱

A T I Y E N O

یادداشت  
O P I N I O N



جواد گودرزی

مدیرکل روابط‌عمومی و امور بین‌الملل بیمه مرکزی

## نقش بیمه‌ها در جبران خسارات جنگی

صنعت بیمه ایران پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر با چالشی بی‌سابقه مواجه شده است. در حالی که قوانین بیمه‌ای جهانی خسارات ناشی از جنگ و آشوب را مستثنی می‌کنند، شرکت‌های بیمه ایرانی در تلاشند با ابتکارانی نوآورانه، بخشی از خسارات را جبران کنند. این اقدام نه تنها به منظور همراهی با حاکمیت و همدلی با مردم آسیب‌دیده انجام می‌شود، بلکه تلاشی است برای نشان دادن تعهد صنعت بیمه به مسئولیت اجتماعی در بحبوحه بحران. با این حال، جبران کامل خسارات وارده نیازمند یک راهکار ملی و هماهنگ است که دولت، نهادهای مرتبط و صنعت بیمه را در یک برنامه جامع گردهم آورد. سخنگوی دولت و مقامات ارشد اخیراً بر ضرورت حمایت از آسیب‌دیدگان تأکید کرده‌اند، اما دو واقعیت کلیدی همچنان بر جسته است: نخست، بیمه هنوز به عنوان یک نیاز ضروری در فرهنگ عمومی جا نیفتاده است؛ دوم، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این صنعت برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است.

در بسیاری از کشورها، جبران خسارات جنگ از طریق دولت، صندوق‌های ویژه یا سازمان‌های بیمه‌ای بین‌المللی انجام می‌شود. در ایران، شرکت‌های بیمه اعلام کرده‌اند که می‌توانند خسارات خرد مانند خسارات وارده بر منازل مسکونی و خودروهای دارای بیمه‌نامه بدنه یا آتش‌سوزی را پوشش دهند. این اقدام از رשמند است، زیرا قرار دادهای بیمه عادی معمولاً خسارات ناشی از جنگ یا حملات هوایی را شامل نمی‌شوند. با این حال، برخی شرکت‌های بیمه به صورت داوطلبانه پذیرفته‌اند که به بیمه‌گذاران خود، حتی بدون پوشش خاص برای جنگ و ناآرامی، خسارت پرداخت کنند. این تصمیم که مغایر با قواعد استاندارد بیمه‌ای است، با هدف کاهش آلام مردم، ایجاد آرامش روانی و معرفی توانمندهای صنعت بیمه به جامعه اتخاذ شده است. اما پرسش اساسی این است: آیا صنعت بیمه ایران به تنهایی قادر به جبران حجم عظیم خسارات وارده است؟ از منظر قواعد فنی و مالی بیمه، پاسخ به این پرسش منفی است.

بیمه مرکزی نیز به عنوان نهاد ناظر، اعلام کرده که می‌تواند اتکایی اجباری برای خسارات خرد را بپذیرد، اما جبران خسارات کلان نیازمند حمایت مالی و ساختاری دولت است. تجربه‌های پیشین مانند ایجاد صندوق ویژه تحریم یا تخصیص بودجه در دوران جنگ ایران و عراق، نشان می‌دهد که بدون پشتیبانی دولت، صنعت بیمه نمی‌تواند ریسک‌های بزرگ را به دوش بکشد. پذیرش یک‌جانبه چنین تعهداتی می‌تواند ثبات مالی این صنعت را به خطر اندازد و چالش‌هایی اساسی ایجاد کند. برای مثال، خسارات زیرساختی یا صنعتی ناشی از جنگ که اغلب هزینه‌های هنگفتی دارند، فراتر از ظرفیت مالی شرکت‌های بیمه داخلی است. برای موفقیت در این مسیر، دولت باید با تخصیص بودجه، ایجاد صندوق‌های ویژه یا ارائه مشوق‌های مالی، از صنعت بیمه حمایت کند. علاوه بر این، افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت بیمه به عنوان یک ابزار مدیریت ریسک نیز ضروری است. همچنین تقویت زیرساخت‌های صنعت بیمه؛ از جمله دیجیتالی‌سازی فرایندها و بهبود ظرفیت اتکایی می‌تواند این صنعت را برای مواجهه با بحران‌های آینده آماده‌تر کند.

“

**ایران پس از جنگ ۱۲ روزه فرصت بازسازی اقتصاد را دارد؛ احیای صادرات نفت، مهار تورم و جذب سرمایه دیاسپورا می‌تواند ثبات را بازگرداند و کشور را به سوی پیشرفتی پایدار هدایت کند**